

## Examining the concept and principles of rational education in Tafsir al-Mizan

### ARTICLE INFO

**Article Type**  
Research Article

#### Authors

Marziye Parniyan  
Alireza Mokhtari\*  
Jalal Kalantari

#### How to cite this article

Marziye Parniyan, Alireza Mokhtari, Jalal Kalantari, Examining the concept and principles of rational education in Tafsir al-Mizan, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2022;6(3):761-769.

1. PhD student, Department of Theology and Islamic Studies, Fasa Branch, Islamic Azad University, Fasa, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Fasa Branch, Islamic Azad University, Fasa, Iran (corresponding author).
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Fasa Branch, Islamic Azad University, Fasa, Iran.

\* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: ar.mokhtari@iau.ac.ir

### ABSTRACT

**Purpose:** Intellect is actually the most important aspect of human existence, which, in case of growth and prosperity, saves a person from going astray, brings him to the truth of existence, and guides him to the right path; Intellectual education has long been the focus of philosophers and religious leaders, and they have defined several bases and principles for the process of intellectual education; The necessity of conducting this research is to achieve the concept and principles of rational education from the point of view of Allameh Tabatabai (RA) in Tafsir al-Mizan.

**Materials and methods:** the type of basic research and its method is descriptive-analytical; The analysis of information based on the definitions of wisdom and education in Tafsir al-Mizan has been documented in a qualitative way.

**Findings:** From the point of view of Allameh Tabatabai, education is a set of measures and methods that actualize human potential talents in different dimensions, and reason is one of the human powers through which good, evil, right and falsehoods are separated from each other. If rational education does not take place, the great gift and the amazing power of reason, as a result of following the desires of the soul and the devils, will be abandoned and man will become a prisoner of his animality, and will become more vile and dangerous than any other living thing, and his depravity will overwhelm him.

**Conclusion:** The principles of education from Allameh Tabatabai's point of view include the principles of ontology, epistemology, anthropology and values; Based on the thought of Allameh Tabatabai, intellect is a gift from God to man, which has two theoretical and practical dimensions. Educability, learning, and overcoming the air of the soul and thinking cause it to flourish and bring man to happiness.

**Keywords:** Education, Rational Education, Principles of Rational Education, Ontology, Epistemology, Anthropology, Values.

## بررسی مفهوم و اصول تربیت عقلانی در تفسیرالمیزان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

\*نویسنده مسئول: ar.mokhtari@iau.ac.ir

## مقدمه

خداوند متعال، انسان را با ابعاد وجودی متفاوتی آفریده است و تربیت او خصوصاً از دیدگاه اسلام متوجه همه‌ی ابعاد وجودی انسان شامل بُعد عقلانی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی است. در این پژوهش به بُعد تربیت عقلانی انسان با تکیه بر تفسیر المیزان پرداخته می‌شود. عقل به عنوان نیروی درک، قضاوت و استدلال، بخشی از ذهن آدمی را تشکیل می‌دهد، که از یک سو با فهم و درک (عقل نظری) در ارتباط است و به درک خاص و تام اشاره دارد (۱) و از سوی دیگر متضمن بازدارندگی و کنترل (عقل عملی) است که فرد را از انحراف و گمراهی نگاه می‌دارد؛ از این رو پرورش آن به عنوان محور اصلی تعلیم و تربیت شناخته شده است. تربیت عقلانی ایجاد شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر و پرورش اندیشیدن انسان درباره‌ی هستی است. آن چه مورد خطاب خداوند است و انسان در قبال آن تکلیف و مسئولیت دارد، بُعد عقلانی وجود آدمی است و پایه خدانشناسی بر تعقل است و پیامبران الهی نیز برای بیدار کردن فطرت و توانایی‌های درونی آدمی و تربیت عقلانی مبعوث شده‌اند؛ از این رو تکیه بر عقل و تأیید وجهه‌ی عقلانی از ویژگی‌های تربیت اسلامی است و مسلمانان باید اصول و مبانی اعتقادات خود را از طریق تعقل بپذیرند. (۲)

تفسیرالمیزان تفسیری جامع و دارای نظرات بدیع و ابتکاری است؛ منظور از جامعیت، جامعیت محتوایی و جامعیت منابع است، یعنی از نظر محتوا به همه ابعاد و زوایای لفظی و معنوی توجه و از نظر منابع از آثار گسترده و متنوع روایتی، منابع عقلی و کلی استفاده شده است و منظور از ابتکار نظریات بدیعی است که علامه طباطبایی در موضوعات و مسائل مهم قرآنی در پی بحث‌های مفصل ابراز داشته‌اند؛ (۳) از این رو تفسیر المیزان به عنوان یکی از اصیل‌ترین و مؤثق‌ترین منابع برای شناخت ابعاد گوناگون هستی و انسان می‌باشد که با جمع نمودن میان دو شیوه‌ی تفسیر تربیتی و موضوعی، با عرضه کردن آیات بر یکدیگر نکات طرح شده را از دیدگاه قرآن مورد ارزیابی قرار می‌دهد و تمام ابعاد تربیتی، اشارات علمی و ارزش‌ها و ظرافت‌های ادبی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

اگرچه علامه در حوزه‌ی عقل و کارکردهای متفاوت آن به تفصیل بحث کرده‌اند؛ (۴) ولی به مسئله‌ی تربیت عقلانی و روش‌های تربیت عقلانی در انسان به طور مستقل نپرداخته‌اند؛ پس پژوهش در آثار ایشان از جمله در تفسیر المیزان که مهم‌ترین اثر علامه طباطبایی است برای تدوین نظرات این اسلام-شناس بزرگ در خصوص راهکارهای تربیت عقلانی ضروری است.

در مقاله حاضر به این سؤال پاسخ داده می‌شود که علامه طباطبایی برای رسیدن به تربیت عقلانی چه مفاهیم و اصولی را متذکر ساخته است؟! در جواب این پرسش بنابر جامعیت و بداعت

## مرضیه پرنیان

دانشجوی دکتری، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران.

## علیرضا مختاری\*

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران (نویسنده مسئول).

## جلال کلانتری

استادیار، گروه روانشناسی، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران.

## چکیده

هدف: عقل در حقیقت مهم‌ترین بعد وجودی انسان است که در صورت رشد و شکوفایی، آدمی را از گمراهی نجات می‌بخشد و به حقیقت هستی می‌رساند و به صراط مستقیم هدایت می‌کند؛ تربیت عقلانی از دیرباز مورد توجه فیلسوفان و رهبران دینی بوده است و مبانی و اصول متعددی برای فرایند تربیت عقل تعریف کرده‌اند؛ ضرورت انجام این پژوهش دستیابی به مفهوم و اصول تربیت عقلانی از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) در تفسیرالمیزان می‌باشد. مواد و روش: نوع پژوهش بنیادی و روش آن توصیفی - تحلیلی است؛ تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس تعاریفی که از عقل و تربیت در تفسیر المیزان آمده است به روش کیفی مورد اسناد قرار داده شده است.

یافته‌ها: از دیدگاه علامه طباطبایی تربیت مجموعه تدابیر و روش‌هایی است که استعدادهای بالقوه‌ی انسان را در ابعاد مختلف به فعلیت در می‌آورد و عقل یکی از قوای انسانی است که به واسطه‌ی آن خیر و شر و حق و باطل از یکدیگر تمیز داده می‌شود. اگر تربیت عقلانی صورت نگیرد، موهبت عظیم و نیروی شگفت عقل در نتیجه‌ی پیروی از هوای نفس و تسویات شیاطین، مهجور و انسان اسیر حیوانیت خویش می‌شود و از هر جنبه‌ی ای پلیدتر و خطرناک تر شده و پستی دامانش را می‌گیرد.

نتیجه‌گیری: اصول تربیت از دیدگاه علامه طباطبایی شامل اصول هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی است؛ بر مبنای اندیشه علامه طباطبایی عقل موهبت الهی به انسان است که دارای دو بعد نظری و عملی می‌باشد، تربیت پذیری، علم‌آموزی و غلبه بر هوای نفس و تفکر موجب شکوفایی آن شده و انسان را به سعادت می‌رساند.

کلید واژه: تربیت، تربیت عقلانی، اصول تربیت عقلانی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی.

نظرات مطرح شده و بر مبنای تربیتی علامه در تفسیرالمیزان، اصول تربیت که شامل اصول هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۲. پیشینه‌ی موضوع تحقیق

یکی از مباحث مهم در تعلیم و تربیت اسلامی، تربیت عقلانی است که با بررسی متون مختلف اسلامی و تربیتی، مبانی، اصول، اهداف و روش‌های آن قابل استخراج است. علمای اسلام از جمله علامه سید محمدحسین طباطبایی، امام خمینی (ره)، استاد مطهری، علامه جوادی آملی، علامه محمدتقی جعفری، علامه مصباح یزدی در آثار خود به طور مفصل در مورد عقل و تربیت آن بر اساس آیات و روایات بحث نموده‌اند که آثار علمی متعددی از آن‌ها به ثبت رسیده است.

هاشم ندایی (۵) مقاله‌ای را تحت عنوان مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه سید محمدحسین طباطبایی به رشته تحریر در آورد. در این مقاله از دیدگاه هستی‌شناسی و انسان‌شناسی علامه طباطبایی مبانی تعلیم و تربیت انسان مورد بررسی قرار گرفته است. در دیدگاه علامه طباطبایی جهان خارج از ذهن دارای واقعیت و شامل عالم غیب و شهادت است و بر اساس حرکت جوهری دائماً در حال حرکت است. از نظر ایشان انسان دارای دو بعد روحانی و جسمانی است و جنبه‌ی روحانی او اصیل است. بر اساس هستی‌شناسی و انسان‌شناسی علامه طباطبایی تعلیم و تربیت مبتنی بر واقعیت عینی و دارای جامعیت و همگام با هدف غایی قرب الی‌الله می‌باشد. تأکید علامه طباطبایی بر تربیت معنوی و تربیت عقلانی انسان است.

محمدجعفر رضایی و رضا علی نوری و مجتبی سپاهی (۶) مقاله‌ای را تحت عنوان غایت شناسی تربیت عقلانی در ساحت فردی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی در مجله‌ی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی به چاپ رساندند.

در این تحقیق که به صورت تحلیلی - استنباطی انجام شده است، به معنا و مفهوم، منزلت، قلمرو و شناخت عقل و مفهوم تربیت عقلانی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی پرداخته است. از دیدگاه ایشان عقل انسان تربیت‌پذیر و دارای ابعاد و اقسام نظری و عملی است، عقل بار ارزشی دارد و جزئی از دین است نه در مقابل آن ایشان تهذیب و تزکیه نفس، محبت راستین، حیات حقیقی و دوری از غفلت را هدف غایی تربیت عقلانی معرفی کرده است.

#### ۳. روش تحقیق

در این مقاله کوشش شده است تا مفاهیم و اصول تربیت عقلانی با توجه به متن و ترجمه آیات مرتبط در تفسیرالمیزان جستجو شود تا به دیدگاه علامه در رابطه با آن‌ها دست‌یابیم. در باب عقل و تربیت عقلانی به لحاظ علمی قبل از جوامع اسلامی در مغرب - زمین پژوهش‌های فراوان آکادمیک و روش‌مندی انجام شده و نتایج آن‌ها اکنون در اختیار پژوهشگران مسلمان است. (۷) نظر به تحقیقات موجود در این زمینه، مفاهیم علمی مبانی، اهداف،

اصول و روش‌ها از علوم جدید گرفته و بر قرآن کریم عرضه می‌شود. این روش یعنی تحقیق میان‌رشته‌ای، در پژوهش موضوعات دو وجهی (قرآنی و علمی) مانند موضوع حاضر به نظر بهتر و سودمندتر می‌نماید؛ زیرا هم جنبه علمی و هم بعد قرآنی بحث حفظ می‌شود، به عبارت دیگر تحقیق به گونه‌ی مقایسه‌ای میان علوم جدید در زمینه‌ی تربیت عقلانی و آیات قرآن انجام می‌شود و نتایج آن به علاقه‌مندان ارائه می‌گردد. در مقام عمل، روشی که در این پژوهش به کار رفته روش توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد.

#### ۴. تعریف تربیت از دیدگاه علامه طباطبایی

از دیدگاه علامه، تربیت فرایند هدایت و رشد قوای نفسانی، روحی، فطری و قلبی انسان به مدد عقلانیت و حکمت و به منظور رسیدن به اوج عبودیت و تزدادن به ربوبیت الهی می‌باشد. بر این اساس تربیت فرایندی «رب‌محور» و «خداگونه‌پرور» است که می‌توان آن را مجموعه تدابیر و روش‌هایی که برای به فعلیت درآوردن ابعاد مختلف وجود انسان است، بیان کرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص. ۲۴) ایشان هدف نهایی تربیت را دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی با دستیابی به توحید در مرحله‌ی اعتقاد و عمل بیان می‌کند. از دیدگاه علامه رسیدن به قرب الهی جز با عبودیت و بندگی خداوند میسر نمی‌شود. (۸)

#### ۵. مبانی تربیت

علامه طباطبایی مبانی تربیت را از دیدگاه هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و معرفت‌شناسی با استفاده از منبع وحی و قرآن و سنت اهل بیت (ع) مورد بررسی قرار می‌دهند.

ایشان از دیدگاه هستی‌شناسی، تربیت را مبتنی بر واقعیات عینی می‌داند و از نظر ایشان هدف و محتوای تربیت دارای جامعیت و پاسخ‌گو به عالم غیب و مجردات و مسائل جهان مادی است و متربی باید به گونه‌ای تربیت شود که دیدگاه مثبت و خیر نسبت به مسائل داشته باشد و وجود خود و همه مخلوقات الهی را وابسته و مخلوق خداوند بداند. هدف‌نهایی تربیت قرب الی‌الله است و اهداف مبانی (اهداف اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و نظایر آن) بر همین راستا قرار دارد. از نظر علامه نظام تعلیم و تربیت باید پویا و همواره در حال حرکت و نو شدن باشد. (۹)

از نظر انسان‌شناسی، علامه طباطبایی، انسان را دارای دو بعد جسم و روح می‌داند (روح دارای اصالت است) و تعلیم و تربیت باید به گونه‌ای باشد که بتواند همه‌ی جنبه‌های وجودی انسان را اعم از مادی و معنوی در برگیرد. از دیدگاه ایشان انسان دارای فطرت است و تربیت باید بر گرایش‌ها و خواسته‌های فطری انسان مبتنی و در راستای رشد و به فعلیت در آوردن آن‌ها باشد.

نظام تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه، انسان را آزاد، مختار و انتخابگر تربیت می‌کند؛ چراکه خداوند انسان‌ها را آزاد و مختار آفریده و راه سعادت و شقاوت را به او نشان داده است. از دیدگاه ایشان، انسان موجودی دارای عقل و فکر است؛ بنابراین تربیت او باید به گونه‌ای باشد که بتواند جنبه‌ی عقلانی انسان را

شامل اصول هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی است که این اصول تفسیر هست‌ها و باید‌هایی برگرفته از مبانی تربیتی‌اند. (۱۳)

این اصول جزو اصول موضوعه و اصلی مکتب تربیتی اسلام و به تبع آن، مکتب تربیتی علامه می‌باشد به این معنا که تغییر‌پذیر و تبدیل‌پذیر نیستند و در نظام تربیتی از جایگاهی ویژه برخوردارند؛ به گونه‌ای که بدون تکیه به آن‌ها نظام آموزشی-تربیتی ناتمام و نارسا خواهد ماند.

از آنجا که مکتب تربیتی علامه، اصول موضوعه خود را از منابعی هم‌چون وحی، نبوت، فطرت و عقل سلیم دریافت می‌کند، ایشان سرپیچی از آن اصول یا تغییر آن را جایز و حتی ممکن نمی‌شمردند. (۱۳)

#### ۱.۶. اصل هستی‌شناسی

اصل هستی‌شناسی برداشتی است که هر مکتب از هستی و هستی-آفرین دارد. اصل توحید و اصل حکمت که منشعب از اصل هستی‌شناسی هستند در اصول هستی‌شناسی مکتب تربیتی علامه طباطبایی، جایگاهی ویژه دارد.

اصل توحید به سه جنبه خالقیت، ربوبیت و الوهیت مفهوم و محتوا می‌یابد و با تأکید بر وجود خداوند به منزله‌ی یگانه مبدأ و آفریدگار هستی مورد توجه قرار می‌گیرد.

اصل حکمت به نظام احسن و مستحکم آفرینش، نظر دارد و در جهت آن تفسیر می‌شود. بیان هدفمندی بسیار مدبرانه آفرینش، انسان را به اصل حکمت الهی در آفرینش جهان رهنمون می‌سازد. (۱۳)

#### ۲.۶. اصل معرفت‌شناسی

اصل معرفت‌شناسی، شناخت انسان از خود، خداوند و موجودات هستی است که با ابزارهایی هم‌چون سمع (۱)، بصر (۱) قلب یا فؤاد (۱)، الهام الهی، کشف غطاء (۱)، دیدن برهان رب (۱) و خواب (۱) میسر می‌شود؛ از این رو علم (معرفت) یا از طریق حواس ظاهری (علم حصولی) است و یا از طریق قلب و درون (علم حضوری) می‌باشد. (۱۴)

از میان اصول معرفت‌شناسی، اصل هدایت، نقش ویژه‌ای دارد. معرفت، محصول هدایت است و بدون معرفت، هرگز هدایت امکان‌پذیر نیست. هدایت دو قسم دارد: هدایت تکوینی و هدایت تشریحی.

هدایت تکوینی که مسئولیت آن را خود خداوند به عهده دارد به این معناست که همه‌ی آفریده‌های الهی اعم از انسان و غیر انسان، پس از اعطای آفرینش ویژه از طرف خداوند به سوی کمالش هدایت می‌شود. (۱)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۵۰ سوره طه می‌فرماید: «خداوند با لطف و عنایت خویش هر موجودی را به آفرینش ویژه خود آراست تا او را به هدف مطلوبش هدایت فرماید.»

هدایت الهی به دو صورت، راهنمایی (ارائه طریق) و یا به مقصدرسانی (ایصال الی‌المطلوب) می‌باشد؛ خداوند در امر

پرورش دهد و رشد فکری در او ایجاد کند تا بتواند امور را براساس عقل و تفکر خود تجزیه و تحلیل کرده و به راه حل مناسب برسد. از دیدگاه علامه تعلیم و تربیت باید همگانی و عمومی باشد؛ چراکه همه‌ی انسان‌ها از حقوق مشترک برخوردارند و در اجتماع از خیر و شر هم تأثیر می‌پذیرند.

از نظر معرفت‌شناسی، علامه معرفت حقیقی را علم و یقین مطابق با واقع می‌داند و علم و یقین را اساسی‌ترین رکن معرفت معرفی می‌کند. از دیدگاه ایشان تربیت نه تنها در نقطه آغاز بلکه در تداوم و ماندگاری آثار خود به معرفت نیاز دارد؛ بنابراین معرفت و تربیت لازم و ملزوم همدیگر می‌باشند. (۱۰)

از نظر ایشان، اولین قدم در تربیت بر مدار معرفت، معرفه‌النفس است. خودشناسی و خودسازی مقدمه خداشناسی است. (۱)

ابزار معرفت، حس، تجربه، عقل و وحی هستند. علامه، تقوای الهی را پاک‌سازی درونی و از جمله شرایط بدست آوردن معرفت بیان می‌کند؛ (۸) بنابراین در مکتب تربیتی علامه براساس مبانی معرفت‌شناسی، واقع‌نگری و حقیقت‌گرایی در پرتو وحی و عقل و هدایت تکوینی و نیز هدایت تشریحی توسط راهنمایان الهی، اساس نظام تربیتی است و برای رسیدن به قرب الهی باید به تزکیه نفس پرداخت. (۲)

یکی دیگر از مبانی تربیت، ارزش‌شناسی است. از دیدگاه علامه ارزش‌ها، امور ذهنی هستند که ارتباط دو طرفه با واقعیت‌های بیرونی دارند، از یک سو از ناحیه منشأ و خاستگاه (نیازها و احساسات) و از طرف دیگر از ناحیه آثار و نتایجشان که همان کمال و سعادت ابدی است. ماهیت ارزش‌ها همان نسبت «بایدی» است که بشر تحت تأثیر نیازها و طلب نتایج و رسیدن به کمال به وجود می‌آورد. (۱۱)

از نظر ایشان معیار ارزش‌ها (خوبی، بدی، زشتی، زیبایی) سازگاری و یا ناسازگاری با کمال و سعادت انسان است و مبانی ارزش‌ها از ناحیه فعل الهی نشأت می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص. ۳۷۹)

از دیدگاه علامه، انسان به پشتوانه وحی، عقل، معرفت، فطرت و شریعت به ارزش‌ها دست می‌یابد؛ بنابراین ارزش‌ها در مکتب تربیتی علامه با الهام از رهنمودهای قرآن و اهل بیت (ع) شناخته می‌شوند. هماهنگی و رشد و تعادل ارزش‌ها بر محور خودشناسی، منجر به فعلیت رسیدن استعدادهای بالقوه انسان و در نهایت رسیدن به کمال و خداشناسی می‌شود. (۱۲)

۶. اصول تربیت از دیدگاه علامه سید محمدحسین طباطبایی اصل به معنای دستورالعمل کلی و راهنمای عمل است که در علوم کاربردی به صورت قضیه‌ای بیان می‌شود که حاوی «باید» است و بر پایه‌ی مبانی استوار می‌شود؛ از این رو هر دسته از اصول متناسب با گروه مبانی هم‌گرای خود تعریف و تنظیم می‌شود. (۶)

اصول تربیت از دیدگاه علامه طباطبایی متناسب با مبانی تربیت

از دیدگاه علامه طباطبایی ارزش‌ها، ابزارهای فکری هستند که با یاری آن‌ها کمالات کسب می‌شود. ذهن در تماس با نیازها و خواست‌ها و با عاریت گرفتن مفاهیم حقیقی و اعتباری، احکام و مفاهیمی عملی را تولید می‌نماید که قادر است براساس آن فرد را به اصلاح و کمال دعوت نماید و به خوبی و بدی امور حکم کند. (۸)

در نگاه علامه اصولی هم چون هم‌خوانی ارزش‌ها و باورها، هم‌گرایی ارزش‌ها در ساحت‌های گوناگون و اصول تکرار، مداومت و پیشگیری بسیار برجسته است؛ (۱۳) منظور از اصل هم‌خوانی ارزش‌ها این است که ارزش‌ها از نظام فکری و جهان‌بینی آن مکتب سرپیچی نکنند و کارایی خود را از آن نظام دریافت کنند؛ بر اساس این اصل، بایدها و نبایدها و باورهای دینی، فطری و عقلانی باید به طور کامل همخوانی و سازگاری داشته باشند.

منظور از اصل هم‌گرایی ارزش‌ها، این است که ارزش‌ها همه به یک کانون و مرکز بازگردند و به یک محور متکی باشند. این اصل موجب می‌شود ارزش‌ها همدیگر را تأیید کنند و نظام هماهنگی از بایدها و نبایدها به وجود آید.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۷۷ سوره بقره، بر ارزش‌ها را به سه درجه رتبه‌بندی می‌کند. مرتبه ایمان، عمل و اخلاق، آنچه از نظر ایشان اهمیت دارد انسجام و هماهنگی میان این مراتب و ارتباط این ارزش‌ها با جهان‌بینی قرآنی است. (۸)

در اصل تکرار و مداومت از دیدگاه علامه سید محمدحسین طباطبایی، اصول اخلاقی و ارزشی با تکرار و مداومت، تثبیت و نهادینه می‌شوند.

علامه در ذیل آیات ۱۵۳ تا ۱۵۷ سوره بقره اصلاح اخلاق و تحصیل ملکات فاضله و پاک کردن دل از خوی‌های زشت را، تنها با تکرار عمل صالح و مداومت بر آن میسر می‌داند، به طوری که آن عمل بر صفحه دل نقش ببندد و به این زودی‌ها زایل نشود و یا اصلاً زوال نپذیرد، تا ملکه شود؛ پس تهذیب اخلاق و کسب فضایل اخلاقی، منحصر به تکرار عمل از دو طریق می‌باشد:

۱- توجه به فواید دنیوی فضایل و تحسین افکار عمومی

۲- توجه به فواید اخروی فضایل که این راه انبیا است.

توضیح این‌که توجه به فواید دنیوی فضایل در فرد انگیزه ایجاد می‌کند، مثلاً عفت نفس یعنی کنترل خواسته‌های شهوانی و قناعت یعنی اکتفا به آن چه دارد و قطع طمع از آنچه مردم دارند دو صفت پسندیده است و آدمی را در دنیا عزت می‌دهد و نزد عموم مردم محترم می‌کند. در طریقه‌ی دوم، انسان فواید آخرتی را در نظر می‌گیرد و اخلاق از راه اعتقاد به قضاو قدر، تخلق به اخلاق الهی و تذکر به اسماء حسنی الهی و صفات عیسایی، اصلاح و تهذیب می‌شود که این طریقه‌ی دوم، موجب کمال مطلوب انسانی است. (۸)

از دیدگاه علامه سید محمدحسین طباطبایی، شیوه‌ی اختصاصی قرآن در تعلیم و تربیت در رابطه با ارزش‌ها، پیشگیری از مفاسد و ردایب است. قرآن، معارف و ارزش‌های مد نظرش را القای کند تا انسان‌ها را از جنبه‌های علمی و عملی برای به دست آوردن

آفرینش و هدایت موجودات تدبیری می‌کند که از عهده‌ی کسی به جز خودش بر نمی‌آید. (۸)

زندگی انسان در این دنیا براساس هدایت شریعی بنا شده است. هدف خداوند از آفرینش انسان با اصل هدایت تشریحی محقق می‌شود. (۱۵) خداوند انسان را در عالم ماده، مختار آفریده است تا سرنوشت خویش را به دست خود رقم بزند. از این‌رو از طرف خداوند راهی به او نشان داده می‌شود که رو به سوی کمال و سعادت و یا نقص و شقاوت دارد تا با انتخاب آزاد خویش یکی را برگزیند. (۱۵)

#### ۶.۳. اصل انسان‌شناسی

اصل انسان‌شناسی، برداشتی است که هر مکتب از انسان دارد. از دیدگاه علامه طباطبایی ساده‌ترین و در عین حال مؤثرترین راه کسب معرفت این است که انسان از شناخت خویش آغاز کند؛ چراکه تا انسان خود را نیابد نمی‌تواند دیگران و دیگر اشیاء را بیابد چه رسد به این‌که بخواهد راهبر دیگران باشد.

علامه از میان اصول انسان‌شناسی بیش از همه برای سه اصل کرامت و فضیلت، مسئولیت و سعادت اهمیت قائل شده است.

از نگاه تربیتی علامه، کرامت در انسان دو قسم ذاتی و اکتسابی دارد. منظور از کرامت ذاتی آن است که خداوند انسان را اشرف مخلوقات آفریده است؛ به گونه‌ای که نمی‌توان هیچ موجودی را در جهان آفرینش برتر از او سراغ داشت و منظور از کرامت اکتسابی، شایستگی رسیدن به جایگاه قرب الهی در اثر ایمان و عمل صالح است. (۸)

انسان به پشتوانه عقل و معرفت که خداوند به وی تفضل فرموده است مسیر تعالی و کرامت انسانی را می‌پیماید تا به جایگاه والا و ارزشمند خود دست یابد؛ از این‌رو تکریم و تفضیل موهبتی است که خداوند، انسان را به وسیله‌ی آن کرامت و برتری بخشیده است. انسان در عقلانیت هیچ هم‌اورد و رقیبی ندارد. بر این هدیه الهی مواهب بی‌شماری مترتب است که از جمله به تسلط انسان بر دیگر موجودات و به کارگیری عقل در راه رسیدن به مقاصد بلند می‌توان اشاره کرد؛ (۸) اصل مسئولیت ایجاب می‌کند که انسان به رسالت مهم خود در برابر خداوند، مردم، خودش و طبیعت کاملاً واقف باشد و هوشیارانه رفتار کند.

علامه با توجه به اینکه تمامیت حیات انسانی را در ظرف وجودی انسان منحصر می‌بیند و او را به شناخت و مسئولیت حفظ و حراست از کیان خود ملزم می‌داند، معتقد است که اگر نفس خویش را به فراموشی بسپارد و به غیر بپردازد در هلاکت و گمراهی محض در افتاده و اعمال و افعال و قوای او همگی به بوجی و ظلمت فرو می‌رود. (۱۰)

#### ۶.۴. اصل ارزش‌شناسی

ارزش‌ها از مفاهیم اعتباری و تحت تأثیر احساسات درونی جهت رسیدن به کمال و سعادت انسان می‌باشند. حیات دنیوی بشر با این مفاهیم کاملاً در آمیخته و عجین گشته است و بدون آن‌ها امکان تحقق کمال و تعالی انسان وجود ندارد. (۱۲)

محیط زندگی و ظواهر دنیا و سرگرمی‌های آن قرار گرفته است و خدا را فراموش کرده است. (۸)

علامه طباطبایی حس، عقل، فطرت، قلب، شهود، الهام، رؤیا، وحی را از ابزارهای شناختی انسان بیان می‌کند که به واسطه‌ی آن‌ها، انسان‌ها و مخلوقات الهی توسط خداوند هدایت می‌شوند. (۸) عقل به‌عنوان دومین ابزار معرفتی است که به واسطه‌ی آن میان صلاح و فساد، حق و باطل و صدق و کذب تمایز حاصل می‌شود. (۸)

علامه، عقل را ابزار صیانت فکر بشر از خطا در صورت استعمال صحیح می‌داند. از دیدگاه ایشان عواملی به‌عنوان موانع درونی و بیرونی، عقل را در استنتاجات و ادراکات خود منحرف می‌کند و باطل را به جای حق و حق را به جای باطل مشتبه می‌سازد. تکبر، پیروی از ظن، مجادله با حق، حجاب‌های معنوی، هواهای نفسانی و گناه، بیماری‌های قلب، به‌عنوان موانع درونی و بیرونی از اکثریت، تبلیغات و محیط، حوادث و بلاها، پیروی از رهبران جاهل و معاند به‌عنوان موانع بیرونی تعقل و خردورزی می‌باشند.

#### ۸. مفهوم تربیت عقلانی

تربیت عقلانی عبارت است از ایجاد شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر انسان در درون هستی (۷) برخی تربیت عقلانی را مجموعه‌ی تدابیر و اعمالی می‌دانند که به‌طور منظم و سازمان‌یافته موجبات رشد و پرورش عقل را در دو جنبه نظری و عملی آن در جهت دستیابی به هدف‌های مطلوب فراهم می‌آورند. (۱۷)

تربیت عقلانی انسان را به تشخیص درست می‌رساند به‌گونه‌ای که می‌تواند مصالح و مفاسد را به‌خوبی تمیز داده و خیر و صلاح را برگزیند (۱۸) و خداوند تشخیص صحیح را نتیجه عقلانیت می‌داند و اگر این تربیت عقلانی صورت نگیرد و موهبت عظیم و نیروی شگفت عقل در نتیجه‌ی پیروی از هوای نفس و تسویلات شیاطین مهجور شود، انسان، اسیر حیوانیت خود می‌شود و از هر جنبه‌ای پلیدتر و خطرناک‌تر شده و پستی و پلیدی دامانش را می‌گیرد؛ (۱۹)

برخی از دیدگاه متافیزیکی، تربیت عقلانی را رابطه بین ذهن و دانش عینی می‌دانند و برخی دیگر بر فعالیت ذهن تأکید دارند و برخی بر انواع معرفت تأکید می‌کنند و برخی رشد عقلی و قضاوت صحیح را هم‌زمان با رشد اخلاقی در مفهوم تربیت لحاظ کرده و تربیت را به رشد عقلی و اخلاقی در افراد بیان ساخته و تأکید می‌کنند که تمام ابعاد و جنبه‌های تربیت باید بر اساس تفکر و اندیشه‌ورزی باشد. (۲۰)

از دیدگاه اسلام در تربیت عقلانی تأکید بر بینش و معرفت بنیادی با توجه به خردورزی است نه توجه به امور ظاهری. در واقع رویکرد اسلام در تربیت، رویکرد جامع و قابل‌اجرا در نظام‌های تربیتی جوامع و تبدیل شدن به رویکردی جهانی است. (۲۱)

تفاوت الگوهای غیراسلامی تربیت عقلانی با الگوی اسلامی این است که در الگوی غیراسلامی، فقط به پرورش فکر و ذهن توجه

فضیلت‌ها و ترک رذیلت‌ها، توجیه و تربیت کند. این ارشاد قرآنی که درک و عمل به مفاد آن تنها با الهام‌پذیری از گرایش توحیدی خالص امکان‌پذیر است، به مکتب اسلام اختصاص دارد. انسان بر اساس جلب منفعت دنیوی و اخروی، به تکالیف خود عمل می‌کند. البته در شیوه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی نگرش سومی مطرح است که محبت و عشق الهی است و تنها عامل توحیدی است که انسان جدا از انگیزه‌ی دنیوی و اخروی به کسب رضایت خداوند می‌اندیشد، عاملی بسیار مؤثر در اصل پیشگیری از سقوط در رذایل به حساب می‌آید. (۸)

در مقاله‌ای تحت عنوان مبانی، اصول و روش‌های تربیت معنوی با تأکید بر آرای علامه سید محمدحسین طباطبایی، اصل تعادل میان ماده و معنا، اصل واقع‌بینی، اصل توجه به استعداد‌های متفاوت انسان، اصل مساوات، اصل جامعیت در فراگیری علوم، اصل اهمیت علم‌ورزی و اصل اهمیت عمل‌گرایی نیز از اصول تربیت معنوی انسان از دیدگاه علامه، قلمداد شده است. (۱۶) در پایان این بحث قابل‌ذکر است که اصول تربیتی از دیدگاه شهید مطهری به‌عنوان شاگرد برجسته علامه همسو با دیدگاه علامه طباطبایی متکی بر جنبه‌ی خدامحوری و براساس وحی و سنت و در راستای رسیدن به قرب الهی است.

#### ۷. مفهوم عقل از دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی عقل را به معنای بستن و نگه داشتن و ادراکی که انسان دردل پذیرفته و پیمان قلبی به آن بسته است بیان می‌کند. (۸ و ۱) از نظر ایشان عقل یکی از قوای انسانی است که به واسطه‌ی آن خیر و شر و حق و باطل از یکدیگر تشخیص داده می‌شود. عقل همان معنای فطرت است؛ (۸) فطرت در انسان‌ها به‌طور یکسان وجود داشته و همه مطابق با سرشت خود، امور فطری را می‌پذیرند و اختلاف و نزاع احتمالی به دلیل عدم دقت در جوانب موضوع است، مانند مشاجره در بدیهات، علامه طباطبایی تفکر و ادراک عقلی صحیح را استفاده از استدلال و برهانی که مبتنی بر مقدمات بدیهی است می‌داند؛ (۸) بنابراین مراد ایشان از عقل، ادراکی است که با سلامت فطرت برای ایشان ایجاد می‌شود. (۸)

علامه واقع‌بینی و شعور استدلالی را دو ویژگی فطری انسان، که منشأ عقل‌ورزی در اوست بیان می‌کند؛ از دیدگاه ایشان انسان دارای فطرت و طینتی پاک و الهی است که او را به هدف خاص و نهایی زندگی هدایت می‌کند؛ چراکه انسان براساس سنت الهی بیش از یک فرجام سعادت‌مندانه ندارد و فطرت همان الگوی سعادت آدمی و مسیر متافیزیکی و خطاناپذیر تربیت است که او را به این پایان سعادت‌مندانه راهنمایی می‌کند تا هدف اعلای زندگی خود را عینیت و تحقق ببخشد. (۸)

البته گاهی فطرت در اثر تمایل انسان به بهره‌گیری از لذت‌های مادی و پیروی از هوای نفس مورد غفلت قرار می‌گیرد؛ به‌طوری‌که از عقل فطری خود دور می‌شود (۸) چنین انسانی دیگر سلیم - الفطره نخواهد بود، بلکه انسانی عادی است که تحت تأثیر

هر چه را که خداوند تشریح می‌کند تفضل بر بندگان است تا بدین وسیله، حوائج آنان را برطرف سازد و به صلاح و فساد خود آگاه سازد. وقتی مطلب از این قرار باشد، جای آن هست که عقل در اطراف احکام تشریحی خدا بحث نموده در پی جست‌وجوی مصالح و مفاسد و حسن و قبح افعال برآید، لیکن نه برای اینکه خدای تعالی را محکوم به حکم خود نموده به چیزهایی امر و از اموری نهی کند؛ زیرا که خدای تعالی نیازمند به هیچ کمالی نیست تا به حکمی که او را به آن کمال برساند محکوم گردد. بلکه همان‌طوری که گفته شد، برای این است که انسان به مصالح و مفاسد کارهای خود واقف شود. (۸)

علامه در این راستا معتقدند که آن چه خداوند متعال از قوانین برای بشر تشریح کرده، به منظور تأمین مصالح انسان و دوری از مفاسد است و در آن رعایت بهترین و مؤثرترین راه برای رسیدن انسان به سعادت و جبران نواقص اوست و بیانات قرآنی، امضای روش عقلا در زندگی اجتماعی و اساس احکام شرعی خداوند می‌باشد. (۸)

نگاه علامه نسبت به اراده‌ی خداوند در نظام تشریح، در واقع، اثبات قاعده‌ی ملازمه‌ی حکم شرع و عقل است؛ چراکه براین اساس ممکن نیست خداوند حکمی را اراده کند که موافق احکام عقلایی نباشد. (۲۵)

#### نتیجه‌گیری

عقل به عنوان بخش مهمی از وجود انسان، غریزه‌ای است که به صورت خدادادی در وجود او نهاده شده است. نیروی باطنی است که جنبه‌ی تشخیص، روشنگری و هدایت‌گری دارد و تربیت‌پذیر و تقویت‌پذیر است و با این کیفیت، مبنای تربیت عقلانی است و باید به رشد و شکوفاسازی آن توجه کرد و با روش مناسب آن را پرورش داد.

تربیت‌پذیری و تغییر و تحول عقل از مبانی تربیتی پرورش فکر و اندیشه است که از نظر قرآن و حدیث و متفکران علوم دینی و تربیتی از جمله علامه طباطبایی مسلم به نظر می‌رسد؛ از این رو تربیت عقلانی مهم‌ترین بعد تربیت انسان است؛ چرا که هدایت و سعادت بشر بسته به رشد عقل و خرد اوست و اگر نیروی فکر انسان شکوفا و بالنده شد، راه کمال را خواهد پیمود؛ هدف نهایی تربیت عقلانی از دیدگاه علامه طباطبایی، قرب به خدای سبحان و در حقیقت خداگونه شدن است؛ به گونه‌ای که شخص مظهر اسماء و صفات الهی شود.

مکتب تربیتی علامه اصول موضوعه خود را از منابعی مانند وحی، فطرت و عقل سلیم دریافت می‌کند و سرپیچی از آن اصول یا تغییر آن را جایز و یا حتی ممکن نمی‌شمارد؛ اصول موضوعه علامه در مبحث تربیت شامل این موارد است؛ اصل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی است.

علامه طباطبایی معتقدند که آن چه خداوند متعال از قوانین برای بشر تشریح کرده مطابق عقل و به منظور تأمین مصالح انسان و دوری از مفاسد است و رعایت آن، بهترین و مؤثرترین راه برای رسیدن انسان به سعادت و جبران نواقص اوست و بیانات قرآنی،

می‌شود درحالی که در الگوی اسلامی، جهت‌ورزی الهی تفکر و حاکمیت آن بر شئون نفسانی، نقش اساسی در سنجش خردورزی و تربیت‌یافتگی عقلانی انسان دارد. در این الگو علاوه بر پرورش اندیشه، به تقویت انگیزه از طریق تربیت عاطفی نیز دلالت می‌کند و متوجه تربیت هم‌زمان ذهن و قلب و پرورش هماهنگ ادراک و اراده و درهم‌تنیدگی تربیت عاطفی و عقلانی است؛ (۲۲) بنابراین تربیت عقلانی در الگوی اسلامی، فرایند رشد و شکوفاسازی ظرفیت‌های اکتسابی ذهنی و ارزش‌های عقلی، نظری و عملی است؛ (۲۳) در جهت دستیابی به هدف‌های مطلوب.

منظور از ارزش‌های عقلانی، سلامت فکر از خطا، داشتن مهارت تفکر، استدلال انتقاد، دانش، فهم، ژرف‌اندیشی، قضاوت صحیح و دقیق، تحلیل و ترکیب و خلاقیت، تمرکز و جهت‌مندی الهی فکر و تطابق اندیشه و انگیزه و حاکمیت عقل نظری بر سایر قوای ادراکی و تحریکی اعم از تخیل، توهم، شهوت و غضب می‌باشد. (۲۰)

#### ۹. اقسام عقل از دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی عقل را به دو قسم تفکیک می‌کند: عقل نظری و عقل عملی و آن دو را بر مبنای تقسیم علوم به نظری و عملی توضیح می‌دهند. علمی که ارتباطی با اعمال ما ندارند و تنها واقعیت را کشف نموده و با واقعیت تطبیق می‌دهند؛ علوم نظری یا بدیهی هستند مثلاً در عالم، خورشید موجود است. (۸)

مدرک این علوم، عقل نظری است. ادراک نظری مربوط به هست‌ها و نیست‌هاست و مربوط به همه حقایق و ادراک امور خارجی و معرفتی است. در مقابل علوم دیگری که برای کارهای زندگی اجتماعی وضع می‌شود و تصدیقات اعتباری دارد و ما به آنها ترتیب اثر خارجی می‌دهیم، علوم عملی است و ادراک عملی مربوط به بایدها و نبایدهاست و همراه با ادراک خیر و شر است و مربوط به رفتار انسان مانند احکام و قوانین و سنی که در اجتماع معمول گشته است مثلاً ریاستی که برای کسی قرار داده می‌شود که هیچ وجود و حقیقت تکوینی ندارد، بلکه انسان به خاطر ضرورت‌هایی که در تشکیل اجتماع حس کرده چنین اعتباری را قائل شده است. (۸)

از دیدگاه علامه به هیچ وجه نمی‌شود یک‌یک احکام شرع را و خصوصیات را که خداوند برای معاد ذکر فرموده، با مقدمات کلی عقل اثبات کرد، زیرا دست عقل ما به آن خصوصیات و جزئیات نمی‌رسد. تنها راه اثبات آن، تصدیق به نبوت پیغمبر صادق است که آن جزئیات و اصل معاد را از طریق وحی اثبات کرده است؛ بنابراین عقل و احکام عقلی به‌عنوان حجت درونی و یکی از منابع معرفتی در کشف احکام دین و ابزاری جهت فهم آیات الهی و کشف ارتباط بین آیات است. (۲۴)

از طرف دیگر از نظر علامه، حسن و قبح عقلی، ضروری است و هیچ عاقلی با داشتن تصور صحیح از مفهوم عدل و ظلم در حسن و قبح بودن اینها تردید نمی‌کند. (۸)

از دیدگاه ایشان طبق قاعده ملازمه حکم شرع و عقل، در مرحله عقل عملی، احکام عقل در افعال تشریحی خداوند جاری می‌شود،

Mousavi Hamdani. Tehran: Amir Kabi 1995..

11. Ghaffari H. Moral philosophy from the point of view of Allameh Tabatabai. The national conference of Mizan Hekmat. Tehran. 2012.

12. Hosni M. "Examination of Allameh Tabatabai's value theory and its implication in moral education". Psychology and educational sciences. 2013; 69.

13. Rahmani, SA. Opinions and educational ideas of Muslim thinkers. Allameh Tabatabai educational school. Qom: Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute. 2018.

14. Moalemi H. The philosophy of illumination. Tehran: Side. 2012.

15. Misbah Yazdi MT. The final description of wisdom. C1. Qom: Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute. fourth edition. 2014.

16. Heydari MH, Shahriari Nisiani S, Barati F. "Fundamentals, principles and methods of spiritual education with an emphasis on the opinions of Allameh Seyyed Mohammad Hossein Tabatabai". Spiritual Studies. 2014; No. 15 and 16: 17-39.

17. Beheshti S. "Principles of rational education based on the words of Imam Reza (peace be upon him)". Research in Islamic education issues. 2102; 18: 51-68.

18. Bagheri K. The ideal model of learning and education in the Islamic Republic of Iran. Tehran: Madrasah, second edition. 2010.

19. Dehghani Simkani R. "Intellectual education, the basic axis in religious preaching". Tarbiat Tablighi research paper; 2011; p. 35.

20. Insafi Mehrabani S, Madour M. "Comparative study of intellectual education from the perspective of Hazrat Ali (peace be upon him) and John

امضای روش عقلا در زندگی اجتماعی و اساس احکام شرعی خداوند است و ممکن نیست خداوند حکمی را اراده کند که موافق احکام عقلایی نباشد.

## References

1. Holy Quran. Elahi Qomsha'i translation. Tehran: Payam Adalat Publishing House; 2003.

2. Rashidi S, Beheshti S, K, Salehi A. "Presenting a theoretical model of rational education for the formal and public education system based on the epistemological foundations of the Holy Quran". Practical issues of Islamic education. 2016; Year Two, Issue 2: 7-36.

3. Salehi A, Moradi A, Firoozi I. "A comprehensive look at Islamic education and training from the point of view of Martyr Motahari, emphasizing the principles, goals and methods of education". A research on the issues of Islamic education. 2014. 25: pp. 9-38.

4. Firouzjani R. "Rationality in the opinion of Allameh Tabatabai". Mind. 2013; 17: pp. 65-88.

5. Nadayi H. "Basics of education and training from the point of view of Allameh Tabatabai". Research in Islamic education issues. 2013; 11: 29-43.

6. Nowrozi RA, Rahmani J. "Principles of rational education in Farabi's thought". Research on the issues of Islamic education. 2018; Number 44: pp. 2-5

7. Maleki H. "Principles of Islamic education and training from the point of view of Martyr Motahari". 2013; 50: p. 283.

8. Tabatabai SMH. Principles of realism philosophy and method. Tehran: Sadra Publications. 2016; 25.

9. Lashkarian M. "Basics of education from the point of view of two great contemporary commentators". Kausar. 2009; Number 30.

10. Tabatabai SMH. Translation of Tafsir al-Mizan; Seyyed Mohammad Baqer

Dewey", *Philosophy and Children*.2013; 7: 83-110.

21.Rahdar A. "Looking at the position of reason and rationality in Islamic government and government", *Pegah Hozha*.2008; No. 265.

22.Delshad Tehrani M. *Saturation in Islamic education*. Tehran: Darya Publications. Fifth Edition.2003.

23.Arafi A, Beheshti M, Faqihi AN, Abu Jafari M. *The goals of education from the perspective of Islam*. Tehran: Research Institute of Hoza and University. Edition 13.2012.

24.Javadi Amoli A. *Tasnim Qom*: Esra Publishing Center;2009:p.231.

25.Pirozfar S, Abdakhodaei B. "Examination of the validity of the judgment of reason from the point of view of Allameh Tabataba'i, relying on Tafsir al-Mizan". *Knowledge*.2014; No. 204: 11-26.